

چون نغمات لطیف حجازی را از طلعت عراقی شنیدی حال نواهای شهنواز معنویرا از شاهباز الهی بشنو تا از چنگ و بربط بقا  
آوازهای بدیع وفا ادراک نمائی و از مضراب احدیه آهنگ مزمار هویه بشنوی و بکوی جانان بتمام دل و روان قدم گذاری تا همه  
روح شوی و بی پر بربری و بی خمر مخمور شوی و بی لسان نکته سرائی و بر مراتب جذب و شوق و وجد و ذوق اطلاع یابی  
تا حزن فراموش کنی و از بحر سرور بیاشامی

گفت موسی را بحکم دل خدا

ای گزیده دوست میدارم تو را

لکن جهدی باید تا از کوی نفس و هوی هجرت نمائی و بحریم عزّ قدس پرواز کنی و محرم حرم جان شوی و در دل دوست  
راه یابی چه ملیح است این گفتار و چه نیکو باید کردار اگر پند دوست بشنوی و در سبیل رضای او سفر نمائی بعد عن  
نفسک و قرّب بریک فالق ما تطلب هواک فابتغ ما یرید مولاک فانس غیره و انس بنوره از باده حبّ بنوش و چشم از عالم  
درپوش زیرا که آنچه بینی شود فانی و بگذرد در آنی و ما عند الله لباقی لا یفنی و دائم لا یبلی قدر این ایّام را دانسته که  
همیشه وصال میسر نشود بلبل جز در بهار تغنی ننماید و تا گل نهیند بخروش نیاید آید وقتی که عندلیب ربّانی از ذکر معانی  
بازماند و بشاخسار معنوی پرواز نماید و بگلذارهای غیب الهی مقرر گیرد بگوش جان بشنو و بتمام قلب اخذ نما اگرچه بلحن  
پارسی القا شد ولکن نوای حجازی در او مکنون گشته و اسرار الهی در او مخزون شده و النور علیک و علی الذین کانوا معک